

یادداشت‌های صدر الاشراف



ورود من بمشهد مقدس
و آمدن سیل
و خرابی خانه‌ها

۶۱

نوشتهٔ محسن صدر نخست‌وزیر
و رئیس اسبق سنای ایران

من بعد از چند روزی که در طهران توقف کردم بصوب مأموریت یمنی
استانداری خراسان عازم و روز نهم خرداد وارد مشهد شدم - اتفاقاً عصر آن
روز حادثه سیل مشهد اتفاق افتاد سبب حدوث سیل اولاً باران شدیدی بود که
قریب یکساعت در شهر و اطراف با نهایت شدت بارید و چون خندقی که
دور شهر قدیم مشهد بوده پرنشده و بطور مارپیچ در وسط شهر خالی‌و‌اقع و
خیابان‌هایی که با آن خندق تقاطع کرده طاق زده اند ولی بملاحظه آنکه
سطح خیابان روی پل مرتفع تر از سطح خیابان نباشد طاقها مرتفع نیست و
عمق زیاد ندارد .

دیگر آنکه شدت باران در کوهستان طرف جنوب غربی شهر و راه طرفه

و بند گلستان بود و همین که سیل بطرف شهر آمد اتفاقاً چوب‌های درخت تبریزی که از باغ ملك آباد بریده درمجرا برای حمل ریخته بودند سیل آن چوبهارا با خود روانه ساخت و جلوپل که روی کانال کشیده شده سد کرد و باین واسطه آب در بالای سدی که جلو خندق قدیم مشرف به شهر بود جمع شده سد را شکست و بخندق قدیم که در اواسط شهر حالیه بطور پیچ پیچ واقع شده ریخت و گذشته از اینکه خندق قدیم که بعضی نقاط آن پر شده و سعت عبور آب را نداشت و شروع به خرابی خانه‌های اطراف خندق کرد عاده تیر و تخته عمارات خراب شده را آب بطرف شیب می‌آورد و جلو معبری که پل برای خیابانها روی خندق ساخته شده بود سد شد و آب باراضی و خانه‌های اطراف خندق سرایت و بسرعتی که مخصوص سیل مهیب است خانه‌ها درمسیر آب شروع بخرابی کرد و خرابی در آخر خندق که محله عید گاه و خانه‌ها هم ازخشت و گل و درگودی ساخته شده زیاده‌تر از سایر نقاط شد یعنی فقرا بیشتر بی خانه شدند و چون عصر و روز روشن و مردم از حدود سیل با خبر شدند تلفات جانی جز سه چهار نفر حادث نشد ولی درخانه‌هایی که اعم از بزرگ و کوچک خراب شد مجال بیرون بردن اسباب و اثاثیه نبود و همه‌زیر گل رفت . من از بلندی عمارت منزل خراب شدن خانه‌ها را میدیدم و اندکی که باران سبک شد بیرون رفتم و مردم را باستعانت با سیل زدگان دعوت کردم ولی جلوگیری از خرابی سیل مقدور نبود و فقط کمک باشخاصی که درصدد فرار از سیل بودند و قدرت نداشتند از جمله دبستانی‌اطراف آن را آب گرفته و اطفال در خطر غرق و تلف شدن بودند مساعدت جمعیت مردم سبب نجات آنها گردید . من اول شب دستور دادم اعضاء شیر و خورشید سرخ مشهد جلسه خود را تشکیل داد و مقداری چادر که میسر بود برای سیل‌زدگان که باحال تحیر و بهت درکنار خانه خراب خود یا دورتر نشسته بودند برپا و نان برای آنها تهیه شد و تا سه‌روزنان و خورش و قند و چای و آب توسط شیر و خورشید بآن جماعت که محل دیگر برای سکنا و قدرت بر اعاشه خود نداشتند داده شد و من تمام وقت خود را صرف جمع آوری اعانه و پرداخت به شیر و خورشید و استمداد از شیر و

خورشید مرکز مینمودم و جلسات شیر و خورشید مشهد مرتباً دایر و خودم نیز حاضر میشدم .

دو روز بعد از حادثه سیل اعلیحضرت همایونی با هواپیما به مشهد آمده به نایب التولیه (آقای بدر) دستور دادند که صد و پنجاه هزار تومان از عواید آستانه صرف ساختمان خانه برای فقراء و اعاشه آنها بنمایند .

شیر و خورشید مرکز هم صد هزار تومان برای شیر و خورشید مشهد فرستاد و چون قریب هزار خانوار فقرا که بیشتر کاسب جزء و نساج بودند و تمام سرمایه آنها و آلات کسب آنها از دست رفته بود من چند هیئت از اشخاص خیر و با همت تعیین کردم که در مسیر سیل خانه ها را بازدید کنند اغنیا را بحال خود گذارند و متوسطین و فقرا را احصا کنند برای متوسطین که دارای اعتبار هستند از بانک رهنی قرض گرفته شود و برای فقرا خانه ساخته شود و چون وجوه رسیده از مرکز کافی برای معاش روزانه فقراء و ساختمان خانه بقدر کفایت نبود من دعوتی از علماء و وجوه اهل شهر کردم و پیشنهاد کردم که هر کس استطاعت دارد يك یا چند خانه و کسانی که استطاعت کافی ندارند مشترکاً يك خانه برای فقرا بسازند و حدود تخمینی مخارج هر خانه مشتمل بر دو الی سه اطاق و موافق آن هزار و پانصد الی دوهزار تومان برآورد شد و جمعی از تجاربست خانه تقبل کردند که بسرپرستی آقای حاج میرزا حسین فقیه سبزواری ساخته شود و اشخاصی هم تقبل کردند که پول يك خانه بدهند بشرط آنکه من متکفل ساختن آن بشوم که جمماً قریب سی هزار تومان دادند يك خانه هم خود من و يك خانه آقای بدر نایب التولیه و يك خانه سرتیپ معزی فرمانده لشکر خراسان تقبل کردیم و ساختیم و خلاصه من مشغول به ساختمان بیست خانه شدم و چون در چند ماه قبل از آن سی و سه هزار تومان سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی برای من فرستاده بود که بمصرف معاش فقرا و مهاجر برسد ولی هنوز بمصرف نرسیده بود با تحصیل اجازه از سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی هیجده خانه از آن پول ساخته شد و چون فصل تابستان بود خانه ها بزودی تمام شده و بفقرائی که سیل منازل آنها را خراب

کرده بود مجانی و اگذار گردید به علاوه یک آب انبار برای آن خانه‌ها ساخته شد و در نظر داشتیم مسجدی روی آب انبار بنا کنیم ولی بواسطه نبودن اعتبار موفق به آن نشدم.

صد خانه هم از اعانه آستانه مقدسه و بعضی تجار ساخته شده بفقرا و اگذار گردید که مجموعاً در حدود یکصد و چهل خانه ساخته شده بقرائی که هیچگونه استطاعت نداشتند اعم از مالک خانه های خراب یا مستأجرین آنها داده شد در حالیکه مجموع خانه‌هایی که از سیل خراب شده یا شکست فاشی به آن رسیده تقریباً هزار و پانصد خانه بود ولی اشخاص متمکن خود خانه ساختند و اشخاص متوسط هم با قرض از بانک رهنی یا غیر آن تا درجه رفع حاجت کردند.

اوضاع دولت و اوضاع عمومی در خراسان

مدت سی ماه تمام من در خراسان بسمت استانداری بودم در ابتدا که آخر سال ۱۳۲۷ بود محمد ساعد مراغه نخست وزیر بود و او مساعدت کامل در پیشنهادات من در امور خراسان داشت و انتخابات دوره شانزدهم مجلس شوری و تأسیس مجلس مؤسسان برای تغییر و تفسیر سه ماده قانون اساسی و انتخابات مجلس سنا در زمان زمامداری ساعد که تا آخر سال ۲۸ دوام داشت انجام شد و مقدمه تشکیل مجلس مؤسسان که نتیجه آن تشکیل مجلس سنا بود این است که در سال ۲۷ بعد از واقعه ۱۵ بهمن که تیر به شاهنشاه زدند شاهنشاه بند از بهبودی جمعی از رجال و وزراء و نخست وزیران سابق و وکلای مجلس شوری را دعوت کرده و نطق مفصلی ایراد فرمود و بنقص تشکیلات مشروطیت که فاقد مجلس سنا و تعادل قوه مقننه است اشاره کرده و وضع حاضر را برای تنظیم امور قانونی و اجرائی کافی ندانسته و گرفتاریهای دولت را که همیشه تحت تأثیر اکثریت یک مجلس قرار میگیرد و برای بقاء خود و حفظ اکثریت پشتیبان خود ناچار بتمایلات عناصر با نفوذ مجلس شوری و انجام مقاصد خصوصی ایشان تن در میدهد بیان کرده و در آخر اظهار داشت که من با این وضع نمی توانم سلطنت کنم و اگر ملت و مجلس شوری در مقام رفع

این نقایص برنیاید من ناچارم تکلیفی برای شخص خود معین کنم و چون واقعه ۱۵ بهمن و سوء قصد به شاه تأثیر عمیقی در خاطر عامه مردم و نمایندگان مجلس ایجاد کرده بود بیانات شاهنشاه مؤثر واقع شد و مجلسیان را علاقمند بتصویب تشکیل مجلس مؤسسان و قانون مقدمات تشکیل مجلس سنا نمود و مقرر گردید مطابق عمل سابق که برای تغییر سلطنت قاجاریه و تعیین رضاشاه پهلوی بسلطنت ایران و اعقاب او که چند ماده از قانون اساسی تغییر یافت برحسب جدول انتخابات مجلس شوری دو برابر نمایندگان مجلس برای تشکیل مؤسسان از طرف ملت انتخاب شود و در خراسان که چهارده نفر نماینده در مجلس شوری دارد میبایست بیست و هشت نفر انتخاب شوند.

بعد از تشکیل مجلس مؤسسان در اواسط سال ۲۸ موادی از قانون اساسی بطوریکه همه مطلع هستند تغییر و تفسیر گردید پس از انحلال مجلس مؤسسان شروع بانتخاب نمایندگان منتخبه سنا گردید و چون مطابق قانون انتخاب اعضاء سنا دو درجه است و برای خراسان دو نفر عضو انتخابی منظور شده که ازین بیست نفر منتخبین درجه اول باید انتخاب شوند لذا بیست نفر در خراسان بانتخاب عمومی منتخب شدند و چون داوطلب عضویت سنا در خراسان و سایر بلاد ایران بواسطه شرایطی که در منتخب ملحوظ شده زیاد نبود بالنسبه بانتخابات مجلس شوری بطور آزادی انتخاب شدند که از میان بیست نفر بالاخره دو نفر یکی مؤید ثابتی که چند دوره نماینده مجلس شوری بوده و یکی مرحوم تدین که در اوایل سلطنت رضاشاه چند سال رئیس مجلس شوری و یک نوبت هم بوزارت فرهنگ منصوب شده بود انتخاب شدند.

در انتخاب سنا درجه اول من از دوولایت انتخاب شدم اول از گلپایگان و خوانسار و دوم از محلات و کمره و مقرر بود که در روز ششم مهر سال ۲۸ با منتخبین قم و اراک و قزوین و بعضی ولایات دیگر که جمعاً ده نفر بودند در قزوین حاضر شده انتخاب درجه دوم یعنی یک نفر از میان ده نفر بعضویت سنا تعیین شود و من برای حضور در مجلس انتخاب درجه دوم اجازه مسافرت به قزوین را از دولت و دربار خواستم وزیر کشور که در آنوقت دکتر منوچهر اقبال بود بمن تلگراف کرد که وجود شما در آن روز برای انتخاب اعضاء

سنا در مشهد ضرورت دارد و چون من در قزوین حاضر نشدم سایر منتخبین درجه اول اعضاء غایب را از حق انتخاب درجه دوم خارج کردند و من انتخاب نشدم .

کابینه آقای محمد ساعد در اواخر سال ۲۸ ساقط و آقای علی منصور (منصورالملک) بریاست دولت منصوب گردید . در سال ۲۸ موضوع عواید نفت جنوب که از چند سال قبل از آن مورد مذاکره و اعتراض مجلس بدولت ها واقع شده شدت یافت و بر حسب اعتراضات مجلس و روز نامه ها که با نظر دولت هم نسبتاً موافق بود مذاکره با انگلیسها و شرکت نفت ایران و انگلیس جدیدت پیدا کرد و رئیس شرکت بظهران آمده و بعد از مذاکرات زیاد بالاخره قراردادی موسوم بقرارداد گس گلشائیان که شخص اخیر وزیر دارائی در کابینه ساعد بود پاراف کردند ولی طرف حمله اقلیت مجلس واقع شد و انگلیسها هم که معروف به لجاجت و خودخواهی هستند حاضر نشدند يك قدم جلوتر بیایند و موضوع مسکوت ماند .

در دولت منصور هم مذاکراتی راجع به موضوع قرارداد میشد ولی حمله شدید اقلیت که سر دسته آنها دکتر مصدق بود موجب مرعوبیت دولت بود و نظر صریح بموافقت آن قرارداد اظهار نمی کرد و چون مسئله قراردادشان موافقت پیدا نکرد و رفته رفته مورد نفرت عمومی واقع شد مجلس آنرا بکلی رد کرد و از همان وقت فکر ملی کردن صنعت نفت در اذهان جا گرفت و اقلیت مجلس طرح آن را ریخت ولی مواجه بادولت رزم آرا که مردی باهوش و فعال و جدی و در عین حال بردبار و پرحوصله بود گردید . (ادامه دارد)

تعمیر مسجد هرات

در نهصد و چهار میر علیشیر مسجد هرات را تعمیر نمود و آن مسجد از محدثات عتاب الدین ابوالفتح محمد بن سام حسینی که در پانصد و پنجاه و یک پادشاه شد و در پانصد و نود و هشت مرد .

حرب محمدی یا الوند بیک در نهصد و چهار اتفاق افتاد .
(از وقایع السنین خاتون آبادی)